



افزایش دزدی‌های مسلحانه زیر نام طالبان در پروان؛

## باشنده‌گان: خواب نداریم



شماری از باشنده‌گان ولایت پروان از افزایش آمار دزدی‌های مسلحانه در این ولایت خبر می‌دهند. به گفته آنان، بیشتر دزدی‌های مسلحانه با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان صورت می‌گیرد. باشنده‌گان پروان، طالبان را به ناتوانی در تأمین امنیت متهم می‌کنند و می‌گویند که این گروه خود در ناامنی‌های این ولایت دست دارد. آنان تأکید می‌کنند که تنها در یک هفته گذشته چندین مورد دزدی با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان در بخش‌های مختلف پروان، به ویژه ولسوالی جبل السراج این ولایت، رخ داده است. باشنده‌گان می‌افزایند که به دلیل افزایش دزدی‌های مسلحانه، شب‌هنگام به درستی «خواب» ندارند...

۳

## طالبان سیاست کشتار و انکار

۷



ترور پنهان زنان؛

# شهروندان طالبان را عامل قتل‌های مرموز می‌دانند

۳

موفقیت پروژه چاندریان - ۳ توسط دانشمند زن؛

## کرزی خواستار لغو ممنوعیت آموزش دختران شد

فضایم‌های هندی چاندریان - ۳ روز چهارشنبه، ۲۳ اگست، با موفقیت بر سطح ماه فرود آمد و هند را به چهارمین کشور در جهان تبدیل کرد که این توانایی را به دست آورد. این خواست از سوی کرزی در حالی مطرح می‌شود که طالبان از بدو تسلطشان بر کشور درب مکاتب و دانشگاه‌ها را به روی دختران بستند و زنان را از کار منع کردند.

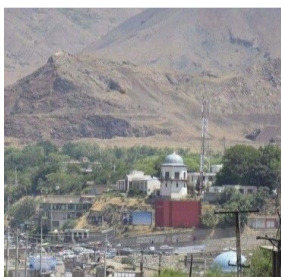
داشت که روز گذشته با موفقیت بر سطح ماه فرود آمد. کرزی افزوده است: «عامل پیشرفت هند توجه به آموزش و علم بوده و تنها راه پیشرفت کشور ما نیز ارجحیت دادن به علم است.» او بار دیگر از طالبان خواسته که برای ترقی کشور به علم توجه خاص کرده و هرچه زودتر درب مکاتب و دانشگاه‌ها را به روی دختران باز کنند.

رهبری یک دانشمند زن، حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین کشور، این پروژه را نتیجه توجه هند به آموزش زنان دانسته است. حامد کرزی روز جمعه، ۳ سنبله، در پستی در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) این مورد را مطرح کرده است. او گفته که رهبری ماموریت چاندریان - ۳ را ریتو کریدال شیرواستوا، دانشمند زن هندی برعهده



۸صبح، کابل: در پی فرود موفق چاندریان - ۳ به

## تفنگ‌داران ناشناس یک دانش‌آموز مدرسه دینی را در پروان تیرباران کردند



۸صبح، پروان: منابع محلی در پروان از قتل یک دانش‌آموز مدرسه دینی از سوی تفنگ‌داران ناشناس در این ولایت خبر می‌دهند. این رویداد پنج‌شنبه شب، ۲ سنبله، در روستای خواجه خیل از مربوطات مناره ولسوالی جبل السراج رخ داده است. منابع در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که فرد کشته شده ۱۷ سال سن داشت و دانش‌آموز یکی از مدرسه‌های دینی ولسوالی جبل السراج بود.

این فرد پس از آن به قتل رسید که شب‌هنگام همراه با پدرش برای آبیاری زمین‌های زراعتی‌شان رفته بود. تا کنون انگیزه قتل این جوان معلوم نیست. طالبان هم تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که رویدادهای قتل از سوی تفنگ‌داران ناشناس در روزهای اخیر در ولایت‌های پروان و کاپیسا افزایش یافته است. شش روز پیش نیز، تفنگ‌داران ناشناس یک مدیر مدرسه دینی و یک نظامی حکومت پیشین را در کاپیسا به قتل رساندند.

## ترس از خشونت پدر؛

### یک کودک ۹ ساله در قندهار خودکشی کرد

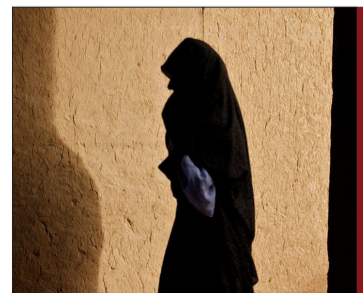


۸صبح، قندهار: منابع در قندهار می‌گویند که یک کودک در این ولایت خود را حلق‌آویز کرده است. این رویداد روز پنج‌شنبه، ۲ سنبله، در ساحه‌ای از مربوطات حوزه ششم شهر قندهار رخ داده است. این کودک دانش‌آموز مدرسه بوده و پس از آن دست به خودکشی زده که مادرش به دلیل مدرسه نرفتن او، وی را با آگاه کردن پدرش از این کارش اخطار می‌دهد. این کودک که احتمالاً از خشونت پدر ترسیده

بوده، خود را حلق‌آویز می‌کند. خانواده کودک قربانی و مسوولان محلی طالبان در قندهار در این مورد چیزی نمی‌گویند. اخیراً میزان خودکشی در ولایت‌های مختلف کشور افزایش یافته است. گفتنی است که پیش از این سازمان حقوق کودکان با نشر گزارشی افغانستان را از رهگذر حقوق کودکان یکی از بدترین کشورهای جهان شناخت. این سازمان از میان ۱۹۳ کشور به افغانستان رتبه ۱۹۱ را داد.

۵ صفحه

## «زنده‌گی برایم شبیه زندانی شده که مرگ تنها راه رهایی از آن است»



۶ صفحه

## نگرش عمودی بیدل در اجزای طبیعت

مثنوی «طور معرفت» به قول علامه صلاح‌الدین سلجوقی یک سفرنامه رمزی است. بیدل در کوه بیرات انوار زیبایی‌های طبیعت را می‌بیند و...







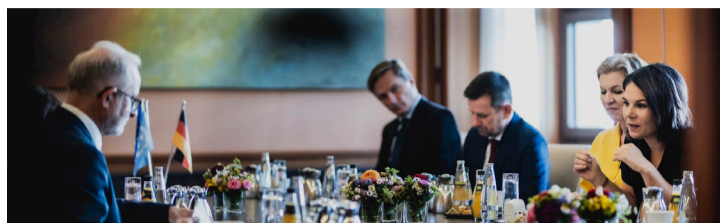
## رابطه منبر و سیاست در افغانستان

در ویدیویی که از دیدار محبوبه سراج با ذبیح‌الله مجاهد از سوی تلویزیون الجزیره پخش شد و بخشی از تلاش آن رسانه در جهت تطهیر طالبان بود، خانم سراج نگرانی‌اش را از بابت مخالفت دنیا با طالبان ابراز می‌کند و با لحنی که دلسوزی نسبت به آینده طالبان در آن هویداست، هشدار می‌دهد که ممنوعیت دختران از درس و تحصیل به زیان این گروه خواهد بود. پاسخی که ذبیح‌الله مجاهد می‌دهد، تا توجیهی برای سیاست طالبان در برابر زنان افغانستان باشد، می‌گوید: «اگر منبر در برابر نظام قرار گرفت یا جدا شد، نظام سقوط می‌کند و در چهل سال ما دیدیم.» این سخن مجاهد فشرده‌ای از نگاه جامعه‌شناختی این گروه به سیاست در افغانستان است که شماری از تحلیل‌گران آن را حاوی درک واقع‌بینانه‌تری از فرهنگ افغانستان دانستند.

از ظاهر سخن مجاهد دانسته می‌شود که سیاست‌مداران این گروه خود به محرومیت زنان از حقوق‌شان، به‌ویژه منع دختران از تحصیل باور ندارند، اما با درکی که از ذهنیت ملاهای افغانستان و نفوذ آنان در کشور دارند، تسلیم خواست این قشر شده و این سیاست را برای ارضای آن‌ها در پیش گرفته‌اند. این مرز کشیدن غیرمستقیم میان گروه حاکم به عنوان حاکمان سیاسی و قشر ملای منبری به عنوان بخشی از طبقه متنفذ اجتماعی در افغانستان، ترفند زیرکانه‌ای است، اما مبتنی بر واقعیت نیست. در واقع بسیاری از ملاهای معتدل در افغانستان وجود دارند که با درس و تحصیل دختران مخالفتی ندارند، اما گروه طالبان آنان را سرکوب کرده و تنها ملاهای تندرو را میدان داده است و برای تحمیل آنان بر جامعه سنتی افغانستان به عنوان یگانه مرجع دینی تلاش می‌کنند. این گروه اگر خواهان سرکوب زنان نباشد، می‌تواند با میدان دادن به علمای معتدل جلو شیخ‌های متحجر خود را بگیرد، اما این کار را نمی‌کند؛ زیرا می‌داند که علمای معتدل با کلیت حضور این گروه در سیاست مخالف است.

برداشت آن عده از تحلیل‌گران در باره واقع‌بینانه شمردن درک طالبان از جامعه افغانستان سطحی و جاهلانه است. این درست است که بخشی از جامعه افغانستان با سنت‌های روستایی خو کرده‌اند و با تحولات مدرن، به‌ویژه در زمینه حضور زن در اجتماع موافق نیستند، اما تقلیل دادن تمام جامعه افغانستان به این بخش کاملاً غلط است. امروزه یک سخن ساده‌لوحانه اما کلیشه‌ای رایج شده است که شماری از به اصطلاح باسوادان به شکل طوطی‌وار تکرار می‌کنند که افغانستان تنها کابل و چند شهر بزرگ نیست، بلکه بخش اعظم آن را روستاها و قریه‌جات تشکیل می‌دهد. این‌ها گویا این قدر سواد ندارند که ببینند اولاً همین اکنون نفوس کابل، هرات، جلال‌آباد، مزار و چند شهر دیگر، دست کم یک سوم نفوس تمام افغانستان را تشکیل می‌دهد. ثانیاً، بسیاری از مردمان در ولسوالی‌ها برای درس خواندن دختران‌شان نه تنها در شمال؛ بلکه حتا در جنوب افغانستان تلاش کرده‌اند و هنوز برای آن تقلا دارند، چه رسد به مشرقی و غرب افغانستان که این اشتیاق بسیار بیش‌تر است. بعد کلان‌تری که در ریشه‌یابی تحولات افغانستان نادیده گرفته می‌شود و روایت ذبیح‌الله مجاهد می‌خواهد انکارش کند، عامل خارجی است. در واقع عامل اصلی سقوط دولت در افغانستان در چهل سال گذشته حمایت‌های برون‌مرزی از گروه‌های شورشی بوده است نه منبر، هرچند که منبر هم تأثیری داشته است. از یاد نباید برد که شماری از این منبرها خود با پول خارجی برجسته شده و در دست چهره‌های مشکوک و وابسته به سازمان‌های استخبارات منطقه‌ای برای جلوگیری از شکل‌گیری یک نظام ملی استوار در کشور قرار داشتند. ملای متعهد به منافع ملی افغانستان نمی‌تواند راضی به کشتار و انتحار باشد.

## دیدار بنت و برپوک؛ آلمان بر دفاع از حقوق مردم افغانستان تأکید کرد



۸صبح، کابل: آنا لانا برپوک، وزیر امور خارجه آلمان و ریچارد بنت، گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در مورد حقوق بشر در افغانستان گفت‌وگو کردند. طبق اعلام وزارت امور خارجه آلمان، این دیدار روز پنج‌شنبه، ۲ سنبله، انجام شده است. این وزارت در یک پست در شبکه اجتماعی ایکس (توییت سابق) گفته است: «همبستگی ما با مردم در افغانستان شکست‌ناپذیر است؛ ما از دفاع از حقوق آنان دست نخواهیم کشید.» در همین حال، ریچارد بنت نیز در یک پست دیگر نوشته است که با وزیر خارجه آلمان در مورد مسایل مهم حقوق بشری آلمان از جمله سیاست‌های

فیمینیستی این کشور که بر ضرورت پاسخگویی به نقض حقوق بشر تأکید دارد، صحبت کرده است. او از تعهد برلین برای حمایت از حقوق بشر در افغانستان استقبال کرده است. این دیدار در حالی صورت می‌گیرد که پس از تسلط دوباره طالبان بر کشور، این گروه به نقض گسترده حقوق شهروندان افغانستان به‌ویژه زنان و دختران متهم شده‌اند. این گروه در پی قدرت‌گیری اش علاوه بر وضع محدودیت‌ها بر زنان، متهم به کشتار نظامیان پیشین و غیرنظامیان نیز هستند. موردی که بارها از سوی این گروه رد شده است.

## شورای امنیت سازمان ملل در مورد تهدیدات داعش در جهان از جمله افغانستان تشکیل جلسه می‌دهد



سخنرانی کنند. شاخه خراسان گروه داعش در افغانستان که از سوی کشورهای عضو به‌عنوان جدی‌ترین تهدید تروریستی در کشور و منطقه ارزیابی شده یکی از موضوعات مورد بحث در این نشست گفته شده است.

براساس گزارش شورای امنیت سازمان ملل که چندی پیش منتشر شد، داعش توانایی‌های جنگی خود در افغانستان را افزایش داده و حدود چهار تا شش هزار تن عضو دارد.

کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل، حضور داعش در افغانستان را یک تهدید جدی به کشورهای دیگر می‌دانند. انتظار می‌رود اعضای این شورا بر اهمیت جلوگیری از تبدیل شدن افغانستان به مرکز تروریسم تأکید کنند و از طالبان بخواهند که به تعهدات‌شان در این زمینه پایبند باشند.

به‌رغم این که طالبان ادعای می‌کنند داعش در افغانستان را از بین برده‌اند، اما انجام چندین حمله مرگبار اخیر این گروه در چند ولایت، نشان‌دهنده حضور فعال شاخه خراسان داعش در افغانستان است.

۸صبح، کابل: منابع آگاه می‌گویند که شورای امنیت سازمان ملل متحد، نشستی را به‌هدف ارزیابی تهدیدات داعش در جهان از جمله افغانستان تحت سلطه طالبان برگزار می‌کند. اس‌سی‌آر گزارش داده که این نشست روز جمعه، ۳ سنبله، در مورد هفته‌مین گزارش این شورای برگزاری می‌شود.

قرار است در این نشست ولادیمیر ورونکوف، معاون دبیرکل سازمان ملل در امور مبارزه با تروریسم و رییس دفتر مبارزه با تروریسم سازمان ملل (UNOCT) و ناتالیا ژمن، مدیر اجرایی کمیته مبارزه با تروریسم (CTED) در این نشست

## کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نسبت به عمیق‌تر شدن وضعیت وخیم در افغانستان هشدار داد

۸صبح، کابل: به ادامه هشدارها از وضعیت بد اقتصادی افغانستان، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز گفته است که ۵۵ درصد مردم افغانستان به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند.

این کمیته روز پنج‌شنبه، ۲ سنبله، در گزارشی از نیمه اول سال ۲۰۲۳، تذکر داده است که تحریم‌های اقتصادی بر افغانستان به عمق وضعیت وخیم در این کشور می‌افزاید.

این نهاد گفته که تنها در نیمه اول سال جاری (جنوری تا جون) به ۵۸۱ هزار و ۵۴۸ بیمار که بیشترشان زنان و کودکان هستند در ۴۷ مرکز صحتی جمعیت هلال احمر افغانستان (ARCS) کمک کرده است.

این نهاد همچنان گفته که به بیش از ۱۲ هزار زندانی در ۱۱ زندان افغانستان طی این مدت سه وعده غذا فراهم کرده است.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر ادامه کمک‌هایش به مردم افغانستان در زمینه مراقبت‌های صحتی و بهبود معیشت تعهد سپرد.

پس از تسلط دوباره طالبان بر کشور، فقر و بیکار و در پی آن نیاز به کمک‌های بشردوستانه به‌شدت افزایش یافت و شماری از نهادهای بین‌المللی کمک‌رسان نسبت به کاهش کمک‌ها به دلیل کمبود بودجه هشدار دادند.



## ایران از مذاکره با طالبان بر سر آزادی عکاس خبرگزاری تسنیم خبر داد

۸صبح، کابل: حسین امیرعبداللّه‌پان، وزیر امور خارجه ایران، سه روز پس از بازداشت محمدحسین ولایتی، خبرنگار و عکاس ایرانی از آغاز مذاکرات برای آزادی وی اطلاع داده است.

این مقام ایرانی جمعه‌شب، ۳ سنبله، با نشر پستی در شبکه اجتماعی ایکس (توییت سابق) گفته که تلاش‌ها برای بازگرداندن عکاس خبرگزاری تسنیم ادامه دارد.



وی افزوده است: «تلاش‌های فشرده دیپلماتیک و قونسلی برای بازگرداندن عکاس خبرگزاری تسنیم آقای محمدحسین ولایتی جریان دارد.»

عبداللّه‌پان ابراز امیدواری کرده که تا ولایتی ساعات آینده به سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل تحویل داده شود.

محمد حسین ولایتی، عکاس خبرگزاری تسنیم، روز شنبه، ۲۸ اسد، هنگام برگشت به ایران در میدان هوایی کابل توسط طالبان بازداشت شد.

این عکاس ایرانی ۱۰ روز پیش به صورت قانونی و از طریق مرز هوایی وارد افغانستان شده بود.

طالبان دلیل بازداشت وی را روشن نکرده‌اند. گروه طالبان از بدو تسلط‌شان بر کشور محدودیت‌های زیادی را بر خبرنگاران داخلی و خارجی وضع کرده و در مواردی دست به بازداشت آنان زده است.

## چشم‌هند به بازارهای آسیای مرکزی؛ مودی و رئیسی در مورد افغانستان و بندر چابهار مذاکره کردند



کابل: نخست‌وزیر هند و رییس‌جمهور ایران در حاشیه پانزدهمین نشست گروه بریکس دیدار و در مورد افغانستان گفت‌وگو کردند. به گزارش رسانه‌های ایرانی این دیدار روز پنج‌شنبه، ۲ سنبله، در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی انجام شده است. دو طرف توافق کردند که همکاری‌های زیرساختی، به‌ویژه در بندر چابهار که به‌عنوان دروازه هند به افغانستان و آسیای مرکزی دانسته می‌شود را تسریع کنند. نرندرا مودی و ابراهیم رئیسی در این دیدار بر همکاری مشترک در مورد مسایل افغانستان زیر تسلط طالبان و مبارزه با تروریسم و اتصال منطقه‌ای توافق کردند. رهبران دو کشور همچنان در زمینه مشارکت در زمینه‌های انرژی، تجارت و سرمایه‌گذاری نیز تأکید



می دهد که کودکان نیز به شکل گسترده مورد تبعیض قرار گرفته و به قتل رسیده اند. در تازه ترین مورد، کاربران شبکه های اجتماعی عکس جسد یک کودک را دست به دست می کنند که گفته می شود به گونه مرموز به دار آویخته شده است. کاربران شبکه های اجتماعی گفته اند که یک کودک ده ساله به نام معتمد بالله در منطقه زردیو ولسوالی شهدای ولایت بدخشان با خواهر خردش یک جا حلق آویز شده است. این کاربران مدعی اند که پدر این کودکان نیز چند سال پیش از سوی طالبان ترور شده است.

این در حالی است که شماری از شهروندان کشور، از افزایش قتل های مرموز ابراز نگرانی کرده اند. این شهروندان می گویند که به رغم ادعای طالبان در تامین امنیت، مردم همواره شاهد قتل های مرموز و هدفمند هستند. به گفته آنان، در نبود حاکمیت قانون و نظام پاسخگو، مردم در معرض انواع تهدیدها قرار دارند. این شهروندان می افزایند که طالبان با لغو سازوکارهای قانونی و حقوقی، فضای انتقام گیری و کشتار هدفمند را فراهم کرده و نظامیان پیشین، خبرنگاران، بزرگان و منتقدان محلی مخالف خود را به بهانه های گوناگون به قتل می رسانند.

در همین حال، شماری از نهادهای حقوق بشری، در دوساله گی حاکمیت طالبان، با نشر گزارش های تحقیقی، از افزایش قتل های مرموز ابراز نگرانی کرده اند. به تازه گی گروه «افغان ویتنس» مستقر در بریتانیا، با نشر گزارشی گفته است که ۱۱۲ تن از نظامیان پیشین در دو سال گذشته از سوی افراد ناشناس ترور شده اند.

همچنان «رواداری» در گزارشی گفته است که در جریان شش ماه نخست سال جاری میلادی، دست کم ۳۴۲ تن توسط طالبان و افراد ناشناس ترور شده اند که زنان و کودکان نیز مشمول قربانیان بوده اند. از سوی دیگر، دیدبان حقوق بشر در بیانیه ای گفته که کشتارهای انتقام جویانه طالبان در افغانستان پایانی ندارد. پترشیا گاسمن، مسوول بخش آسیایی این سازمان، تاکید کرده که طالبان به کشتارهای انتقام جویانه و ناپدید کردن اجباری نظامیان پیشین ادامه داده اند.

گفتنی است که دفتر هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما)، در گزارش تازه خود، ۸۰۰ مورد نقض حقوق بشر توسط طالبان را مستند کرده است. براساس این گزارش، طالبان مسوول قتل های فراقانونی، بازداشت های خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری علیه نیروهای امنیتی پیشین و مقام های حکومت قبلی هستند.



## ترورپنهان زنان؛

# شهروندان طالبان را عامل قتل های مرموز می دانند



امین کاوه

دانسته اند. به گفته آنان، با تسلط طالبان، اکثریت زنان که در بیست سال گذشته فعالیت های اجتماعی داشتند، با تهدیدات گسترده ای دست و پنجه نرم می کنند. این معترضان تاکید می ورزند که ده ها تن از زنان و دختران در کشور به قتل رسیده اند، اما بنا بر عدم دسترسی به اطلاعات آزاد و هراس مردم از طالبان، زنان بدون «نام و گور» ناپدید شده اند.

این معترضان همچنان خاطر نشان می سازند که پس از لغو قانون منع خشونت علیه زنان و سایر قوانین نافذ، زنان در معرض تهدیدات فراوان و حذف سیستماتیک قرار گرفته اند. آنان تاکید می ورزند که در حال حاضر هیچ زنی مورد حمایت قانون و نهادهای حقوقی قرار ندارد و هر کسی هر اقدامی در مقابل زنان انجام دهد، مورد بازپرس قرار نمی گیرد.

از سوی دیگر، از زمان فروپاشی نظام جمهوری، هزاران زن مطلقه در معرض خطر قرار گرفته اند. زنان و دختران معترض می گویند که قدرت به نفع شوهران پیشین این زنان که با طالبان رابطه دارند، تغییر کرده است. به گفته آنان زنان مطلقه از ترس انتقام جویی از سوی همسران پیشین شان، مخفی شده اند و در برخی موارد به گونه مرموز به قتل رسیده اند.

مهرآیین (مستعار)، یکی از دختران معترض، می گوید که ده ها زن در دو سال گذشته به شکل مرموز به قتل رسیده اند. به گفته او، طالبان خانواده های قربانیان را

پس از تسلط طالبان بر افغانستان، قتل های مرموز افزایش یافته است. در جریان دوسال گذشته دست کم ۶۰ زن در ۱۰ ولایت به شکل مرموز به قتل رسیده و ده ها تن دیگر ناپدید شده اند. این آمار به صورت گسترده از سوی رسانه ها منتشر شده، در حالی که ده ها مورد، از انعکاس رسانه ای باز مانده است. زنان و دختران معترض از تداوم این قتل ها به شدت ابراز نگرانی کرده و طالبان را عامل این رویدادها دانسته اند. با این حال، گزارش ها حاکی از آن است که نظامیان پیشین، فعالان مدنی، کارمندان حکومت قبلی، بزرگان قومی، خبرنگاران، کارمندان رسانه ای و کودکان، در دو سال گذشته به شکل مرموز به قتل رسیده اند. در تازه ترین مورد، یک یوتیوبر زن در کابل به قتل رسیده که واکنش های گسترده ای را در قبال داشته است. از سوی دیگر، شهروندان کشور می گویند که عدم حاکمیت قانون و وجود روحیه انتقام گیری در میان طالبان، باعث افزایش قتل های مرموز شده است. یوناما نیز اخیرا گفته است که رژیم طالبان خلاف اعلام عفو عمومی، ده ها تن از نظامیان پیشین و کارمندان حکومت قبلی را به گونه مرموز به قتل رسانده است.

در دوساله گی حاکمیت طالبان، آمارها نشان می دهد که ده ها تن از شهروندان کشور به ویژه زنان و دختران به گونه مرموز به قتل رسیده اند. براساس گزارش های منتشر شده، در این مدت دست کم ۵۰ زن در ولایت های کابل، بلخ، هرات، سرپل، تخار، کاپیسا، بغلان، کندز، هلمند، فاریاب و بامیان به قتل رسیده اند. زنان مقتول، شامل نظامیان پیشین، داکتران، فعالان حقوق بشر، زنان و دختران معترض و دانش آموزان و آموزگاران بوده اند.

با این حال، زنان و دختران معترض با نگرانی از تداوم قتل های مرموز، طالبان را عامل اصلی این رویدادها

تهدید می کنند که در صورت رسانه ای شدن جزئیات این قتل ها، سایر اعضای خانواده های آنان نیز در خطر نابودی قرار می گیرند. این دختر معترض می گوید: «خانواده ها از سوی طالبان تهدید می شوند و می ترسند که همه اعضای شان از بین برود. از همین خاطر، درد را به تنهایی خود تحمل می کنند و رنج می کشند. ما شاهد ده ها قتل مرموز هستیم، اما هیچ کسی صدایش را کشیده نمی تواند.»

این در حالی است که حدود یک ماه قبل، جسد خونین یک زن در ولایت کندز پیدا شد. منابع گفتند که جسد آن زن از منطقه دشت شاخ تپه ولسوالی علی آباد در حالی پیدا شد که ضربات چاقو در نقاط مختلف از اعضای بدن او به مشاهده می رسید. پیش از آن نیز حادثه های مشابهی در رسانه ها در نقاط مختلف کشور گزارش شده است.

با این حال، رسانه ها گزارش داده اند که حورا سادات، یوتیوبر زن در کابل، در یک رویداد مشکوک جان باخته است. مرگ این بانوی جوان، اعتراض های گسترده ای را در پی داشته است. شماری از فعالان مدنی و رسانه ای، طالبان را عامل قتل های مرموز دانسته اند؛ اما سخنگوی فرماندهی امنیه طالبان برای کابل، گفته است که در پیوند به این حادثه، سه تن را بازداشت کرده اند و تحقیقات در زمینه جریان دارد.

گزارش هایی که در دو سال گذشته نشر شده، نشان

## افزایش دزدی های مسلحانه زیر نام طالبان در پروان؛

# باشنده گان: خواب نداریم

کد ۸ صبح، پروان

شماری از باشنده گان ولایت پروان از افزایش آمار دزدی های مسلحانه در این ولایت خبر می دهند. به گفته آنان، بیشتر دزدی های مسلحانه با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان صورت می گیرد. باشنده گان پروان، طالبان را به ناتوانی در تامین امنیت متهم می کنند و می گویند که این گروه خود در ناامنی های این ولایت دست دارد. آنان تاکید می کنند که تنها در یک هفته گذشته چندین مورد دزدی با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان در بخش های مختلف پروان، به ویژه ولسوالی جبل السراج این ولایت، رخ داده است. باشنده گان می افزایند که به دلیل افزایش دزدی های مسلحانه، شب هنگام به درستی «خواب» ندارند. با این حال، آنان خواستار تامین امنیت هستند.

یافته های روزنامه ۸ صبح نشان می دهد که تنها در یک هفته گذشته یک مورد دزدی مسلحانه در ولسوالی جبل السراج و چندین مورد در مربوطات مرکز ولایت پروان صورت گرفته است. منابع در

۶۰۰ هزار افغانی پول نقد که پول دکان شان بود، با طلاهای عروس شان که ارزش آن حدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار افغانی بود را برای دزدان آوردند.»

در همین حال، شماری از باشنده گان مربوطات مرکز پروان می گویند که دزدی های مسلحانه در بخش هایی از شهر چاریکار نیز افزایش یافته است. احمد (نام مستعار) باشنده شهرک معلمین شهر چاریکار، می گوید که در هفته گذشته اموال دست کم دو خانواده در مربوطات حوزه اول امنیتی این ولایت به تاراج برده شده است. احمد می افزاید: «از خانه ما چند کوچه بالاتر که برش انتهای شهرک معلمین می گویند، دزدان با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان شب هنگام در دو خانه داخل شدند و تمام اموال آن خانواده ها را با خود بردند.»

باشنده گان پروان در کنار آن که طالبان را در تامین امنیت ناتوان می دانند، می گویند که بدون همکاری جنگ جویان این گروه دزدی های مسلحانه در این ولایت «امکان پذیر» نیست. صیغت الله، باشنده پروان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «بدون دست داشتن طالبان اصلا امکان ندارد که دزدی های مسلحانه صورت بگیرد، چون طالبان تمام اسلحه مردم را جمع آوری کرده اند. پس افراد مسلح از کجا پیدا می شوند. طالبان توانایی تامین امنیت مردم را ندارند، این گروه فقط جنگ را بلدیت دارد.»

باشنده گان پروان تصریح می کنند که به دلیل

صحبت با روزنامه ۸ صبح می گویند که دزدان مسلح با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان، زیورات و پول نقد یک خانواده را در این ولایت به تاراج برده اند.

یک منبع با حفظ هویتش گفت که گروهی از دزدان نظامی پوش چهارشنبه شب، ۲۵ اسد، بالای خانه مبین قصاب، یکی از باشنده گان روستای میانه گذر ولسوالی جبل السراج هجوم بردند و مبلغ ۶۰۰ هزار افغانی پول نقد، یک ست طلا، چند ست مایل و برخی وسایل قیمتی دیگر این خانواده را با خود برده اند. به گفته او، دزدان مسلح با استفاده از نام طالبان، دستان اعضای این خانواده را بسته و سپس اموال آنان را به تاراج برده اند.

وی تصریح کرد: «شب هنگام دزدان در خانه تک تک زدند و این خانواده را گفتند که ما نیروهای امارت اسلامی هستیم و برای تلاشی آمده ایم. زمانی که دروازه را باز کردند، این فرد به خانه هجوم بردند و اعضای این خانواده را در یک اتاق با دستان بسته انداختند و مردها را لت و کوب و تهدید به قتل کردند.» منبع اضافه کرد: «پس از آن زنان از ترس این که مردهای آن خانواده را به قتل نرسانند، مبلغ

افزایش دزدی های مسلحانه، شب هنگام به درستی «خواب» ندارند. با این حال، آنان خواستار تامین امنیت خود هستند. سهراب، باشنده ولسوالی جبل السراج، گفت: «از چند وقت به این سو ما از طرف شب خواب آرام نداریم. هر لحظه انتظار آمدن دزد را داریم. طالبان بارها از تامین امنیت سخن می زنند، اما کدام امنیت؟»

حدود پنج ماه پیش نیز دزدان مسلح با استفاده از نام و تجهیزات نظامی طالبان اموال چندین منزل مسکونی در مرکز و ولسوالی های جبل السراج و بگرام ولایت پروان را به تاراج برده بودند. آن افراد همچنان با لباس جنگ جویان طالبان در منطقه متک ولایت پروان با ایجاد ایست بازرسی اموال سرنشینان نزدیک به ۱۰ موتر را غارت کرده بودند.

همچنان در اوایل سال گذشته دزدان مسلح نظامی پوش در منطقه گل بهار ولسوالی جبل السراج، وارد یک منزل مسکونی شده و پس از به تاراج بردن اموال آن خانواده، پسر جوان شان را به قتل رساندند. مقتول یاسر نام داشت و دانشجوی سال دوم رشته حقوق و علوم سیاسی دانشگاه پروان بود.

طالبان اما همواره ادعای دست داشتن افراد این گروه در دزدی های مسلحانه را تکذیب کرده اند. گفتنی است که با تسلط طالبان بر کشور، ادعای این گروه این بود که جرایم جنایی به حد قابل ملاحظه ای کاهش خواهد یافت، اما خلاف این ادعا، رویدادهای جنایی در برخی از ولایت ها به شمول پایتخت با گذشت هر روز بیشتر می شود.



# حیات خلوت تروریسم

کله مزدک پارسی



**گروه داعش با جذب ۲ هزار جنگجو از گروه جندالله اوزبیکستان، حضورش در ولایت‌های شمالی و شمال‌شرقی فاریاب، کندز، تخار و بدخشان را تقویت کرده است. داعش خراسان اما در ولایت‌های شرقی افغانستان (کنر، ننگرهار، لغمان و نورستان) بیش‌تر از هر جای دیگر کشور حضور دارد. این ولایت‌ها به دلیل هم‌مرزبودن با مناطق قبایلی پاکستان در مرکز توجه داعش خراسان است.**

متحدان شبکه القاعده و طالبان به حساب می‌آید. گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد حاکی از آن است که جنبش اسلامی ترکستان شرقی بین ۳۰۰ تا ۱ هزار و ۲۰۰ جنگجو در افغانستان دارد. طالبان به اعضای این گروه پاسپورت و شناسنامه افغانستان را توزیع کرده‌اند. جنبش اسلامی ترکستان شرقی همچنان در سال ۲۰۲۲ به جنگ‌افزار و پایگاه‌های جدید دست یافته است. عبدالحق ترکستانی، رهبر جنبش اسلامی ترکستان شرقی و عبدالسلام ترکستانی، فرمانده ارشد این گروه، در شمال‌شرق افغانستان به‌سر می‌برند. عبدالحق ترکستانی که عضو شورای رهبری شبکه القاعده است، در سال ۲۰۰۹ از سوی وزارت خزانه‌داری امریکا شامل فهرست تروریست‌های جهانی شد.

طالبان در نشست سه‌جانبه‌ای که با چین و پاکستان در اسلام‌آباد داشتند، تعهد دادند که در برابر جنبش اسلامی ترکستان شرقی مبارزه می‌کنند؛ اما به نظر نمی‌رسد آنان پابندی چندانی به این تعهدشان داشته باشند. طالبان در گذشته نیز وعده‌های مشابهی داده‌اند؛ اما به هیچ یک از آن‌ها عمل نکرده‌اند.

## جنبش اسلامی اوزبیکستان

این گروه در سال ۱۹۹۸ از سوی جمعه نمنگانی و طاهر یولداش ایجاد شد. جمعه نمنگانی در سال ۲۰۰۱ و طاهر یولداش در سال ۲۰۰۹ کشته شدند. ابوعثمان عادل که پس از مرگ یولداش رهبری جنبش اسلامی اوزبیکستان را بر عهده گرفته بود، نیز در سال ۲۰۱۲ کشته شد. پس از مرگ عثمان عادل، میان عثمان غازی، معاون عثمان عادل و عبدالعزیز یولداش، پسر طاهر یولداش بر سر رهبری جنبش اسلامی اوزبیکستان اختلاف به‌وجود آمد و این جنبش به دو شاخه تقسیم شد. با راه‌اندازی عملیات ارتش پاکستان علیه تی‌تی‌پی در مناطق قبایلی این کشور در سال ۲۰۱۴، عثمان غازی با ۳۵۰ تا ۴۰۰ جنگجوی زیر فرمانش به ولایت زابل منتقل شد. عبدالعزیز یولداش نیز با ۱۵۰ تا ۲۰۰ سرباز به ولایت کنر رفت و سپس به شمال‌غرب افغانستان انتقال یافت.

شاخه عثمان غازی در سال ۲۰۱۵ به داعش خراسان پیوست و گروه عبدالعزیز هم مجبور شد به طالبان بیعت کند. عثمان غازی در درگیری سال ۲۰۱۵ داعش و طالبان در ولایت زابل، دستگیر شد و گروه زیر فرمان او تلفات زیادی دید. شاخه عبدالعزیز یولداش نیز با کشته شدن او در سال ۲۰۲۰ در ولسوالی غورماچ ولایت فاریاب، تضعیف شد. براساس گزارش‌ها، جنبش اسلامی اوزبیکستان در سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۲ به سه شاخه شمال‌شرقی، شمال‌غربی و شرقی تقسیم شده بود. این جنبش با آن که در اثر درگیری‌ها میان داعش و طالبان و کشته شدن رهبرانش تضعیف شده؛ اما حالا که افغانستان زیر کنترل طالبان است، این گروه تحت حمایت القاعده و طالبان دوباره رشد خواهد کرد و شکی وجود ندارد که در آینده به یکی از تهدیدهای جدی در منطقه بدل خواهد شد.

## جماعت انصارالله (طالبان تاجیکستان)

این گروه متحد القاعده و طالبان که از سوی مهدی ارسلان رهبری می‌شود، در ولسوالی‌های مایمی،

درواز، کوف‌آب، خواهان، نسی و شکی ولایت بدخشان افغانستان مستقر است. به گزارش لانگ‌وار ژورنال، طالبان در سال ۲۰۲۱ مسوولیت کنترل ۵ ولسوالی بدخشان را به مهدی ارسلان سپرده بودند. جماعت انصارالله که به طالبان تاجیکستان معروف است، ۲۰۰ جنگجو دارد که در ولایت بدخشان افغانستان به‌سر می‌برند.

## داعش خراسان

این گروه اگرچه متحد القاعده و طالبان به حساب نمی‌آید و در برابر این گروه اعلام جنگ کرده است؛ اما با به قدرت رسیدن طالبان در حال قوی‌ترشدن است و بزرگ‌ترین تهدید در برابر طالبان عنوان می‌شود. رهبری داعش خراسان را ثن‌الله غفاری معروف به شهاب‌المهاجر بر عهده دارد که گفته می‌شود در افغانستان به‌سر می‌برد. پیش از این، برخی رسانه‌ها از کشته شدن او خبر دادند؛ اما داعش و رسانه‌های معتبر بین‌المللی هنوز این خبر را تایید نکرده‌اند. برپایه گزارش شورای امنیت سازمان ملل متحد، داعش خراسان در افغانستان زیر تسلط طالبان از آزادی حرکت برخوردار شده و به این دلیل قابلیت‌های عملیاتی‌اش افزایش یافته است. این گزارش نشان می‌دهد که داعش خراسان در سال ۲۰۲۲ مسوولیت انجام بیش از ۱۹۰ حمله انتحاری را بر دوش گرفته است.

شمار جنگ‌جویان داعش خراسان بین ۴ تا ۶ هزار تن تخمین زده شده است. گزارش روزنامه ۸صبح نشان می‌دهد که داعش خراسان در کنار جذب جنگ‌جویان محلی، شمار زیادی از جنگ‌جویان خارجی را نیز جذب کرده است. براساس این گزارش، «جنگ‌جویان اوزبیکستانی جندالله نیز به‌تازگی وارد تشکیل داعش خراسان شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اعضای اوزبیکستانی گروه جندالله پس از ترور رهبرشان توسط طالبان، با حدود ۲ هزار جنگجو برای گرفتن انتقام به داعش بیعت کرده و وارد تشکیل خراسان این گروه شده‌اند. این در حالی است که داعش خراسان تلاش‌هایی برای جذب جنگ‌جویان پاکستانی و اوزبیکستانی را افزایش داده است. رهبری این شاخه داعش همچنان تلاش دارد جنگ‌جویان اوزبیک‌تبار ناراضی طالبان را نیز وارد تشکیل خود کند.»

گروه داعش با جذب ۲ هزار جنگجو از گروه جندالله اوزبیکستان، حضورش در ولایت‌های شمالی و شمال‌شرقی فاریاب، کندز، تخار و بدخشان را تقویت کرده است. داعش خراسان اما در ولایت‌های شرقی افغانستان (کنر، ننگرهار، لغمان و نورستان) بیش‌تر از هر جای دیگر کشور حضور دارد. این ولایت‌ها به دلیل هم‌مرزبودن با مناطق قبایلی پاکستان در مرکز توجه داعش خراسان است. تروریست‌های پاکستانی از نقش و حضور پررنگی در این گروه برخوردارند.

اگر طالبان در ظاهر خود را یک نیروی محلی معرفی می‌کنند که سودای جهاد جهانی ندارند، گروه داعش برعکس خواستار برقراری خلافت اسلامی در سراسر جهان از طریق جهاد است. این گروه مرزهای ملی را به‌رسمیت نمی‌شناسد و هر جا که دستش برسد، دست به ایجاد ترس و وحشت از هر راه ممکن می‌زند. ایران، روسیه و کشورهای آسیای میانه به طالبان دست دوستی داده‌اند تا با داعش بجنگند؛ اما غافل از این که طالبان نیز تفاوت چندانی با داعش ندارند و همه از یک کاسه آب می‌خورند. به‌نظر می‌رسد شماری از این کشورها پی برده‌اند که گروه طالبان نیز مثل داعش یک تهدید جدی به حساب می‌آید؛ اما از سر ناچاری مجبورند در مبارزه با داعش به طالبان تکیه کنند؛ چون در حال حاضر هیچ نیروی نظامی قدرتمندی غیر از این گروه در افغانستان حضور ندارد که بتواند از پس مبارزه با داعش خراسان بربیاید. شماری از کشورها همچنان این خیال را در سر می‌پروراند

که طالبان شریک قابل اعتماد در مبارزه با داعش خراسان هستند. با گذشت زمان، این کشورها نیز پی خواهند برد که گروه طالبان هیچ‌گاهی شریک قابل اعتماد نیست.

افزون بر گروه‌هایی که در بالا به آن‌ها اشاره شد، شبکه‌ها و سازمان‌های تروریستی متعدد دیگری نیز در افغانستان زیر کنترل طالبان فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها با روی کار آمدن طالبان، از محیط و جغرافیای امن و مساعدی برای سازمان‌دهی و تقویت خود برخوردار شده‌اند.

## مدارس دینی

طالبان در جریان دو سال گذشته، در حالی که از اعمال هیچ محدودیتی بر مکتب و دانشگاه دریغ نکرده‌اند، هرچه در توان داشته‌اند، مدرسه دینی ساخته‌اند. براساس آماری که وزارت معارف طالبان داده، تنها در جریان دو سال گذشته ۵ هزار و ۶۱۸ مدرسه دینی مجوز فعالیت گرفته‌اند و در مجموع، بیش از ۱۵ هزار مدرسه دینی در افغانستان فعالند. این در حالی است که پیش از به قدرت رسیدن طالبان نیز مدارس دینی زیادی در ولایت‌های مختلف فعالیت می‌کردند که شمار زیادی از آن‌ها ثبت وزارت معارف حکومت پیشین نشده بودند.

شمار مدارس دینی غیررسمی در حال حاضر نیز زیاد است. این مدارس حتا پیش از به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان تفکر تندروانه و تروریستی را در جامعه ترویج می‌کردند و در واقع، به‌عنوان بازوی ایدئولوژیک طالبان تا توان داشتند زمینه را برای بازگشت این گروه مساعد کردند. حالا که طالبان به لطف سال‌ها تبلیغ و ترویج تندروی اسلامی از سوی مدارس دینی، دوباره به قدرت رسیده‌اند، باید این خدمات را جبران کنند. شمار مدارس دینی هر قدر بیش‌تر باشد، به همان میزان پایه‌های نظامی، سیاسی و ایدئولوژیک طالبان هم مستحکم‌تر خواهد شد. اکثر مدارس دینی در کنار این که تفکر طالبانی را ترویج می‌کنند، منبع تأمین‌کننده نیروی انسانی برای گروه‌های تروریستی نیز هستند. طالبانیزه‌کردن کامل مکاتب و دانشگاه‌ها نیازمند سال‌ها تلاش و برنامه‌ریزی است؛ اما مدارس دینی از آغاز طالبانیزه‌شده هستند و کافی است فقط پول تزریق کرد و اسلام‌گرایی تروریست تحویل گرفت. پس تعجب‌آور نیست که طالبان میل و رغبتی به رشد مکاتب و دانشگاه‌ها ندارند و برعکس تمام تمرکزشان روی تقویت بیش‌تر مدارس دینی است.

## میدان تروریسم

گروه طالبان حالا در قامت تروریسم تمام‌عیار در مساحتی به بزرگی یک کشور حضور دارد و با تمام ادعاهای ظاهری در پیوند به نداشتن سودای جهاد جهانی، به‌عنوان یک گروه تندرو اسلامی هرگز نمی‌تواند بی‌خیال این پروژه شود. حتا اسلام‌گرایانی با کم‌ترین امکانات، رویای گسترش جهاد در سراسر جهان را در سر می‌پروراند، چه رسد به ملاهیت‌الله که یک کشور را در اختیار دارد. رژیم طالبانی در حال حاضر ناچار است مدعی شود که در تلاش راه‌اندازی جهاد در بیرون از مرزهای افغانستان نیست؛ چون می‌داند که این برنامه با واکنش تندی از جانب کشورهای جهان مواجه می‌شود و حتا ممکن است زمینه‌های سرنگونی رژیم طالبانی را فراهم سازد. اما حضور و فعالیت گروه‌های تروریستی با اهداف بین‌المللی در افغانستان زیر اداره طالبان، به‌تنهایی دلیلی است برای اثبات این ادعا که پروژه جهاد جهانی هیچ‌گاهی متوقف نمی‌شود و حتا اگر طالبان فرصت اعلام آشکار آن را نیابند، به‌گونه پنهانی و غیررسمی آن را دنبال خواهند کرد؛ چون جهاد یکی از دغدغه‌های ذهنی پایدار رهبران طالبان است.



## نیم چشمی بر «نیل توتیا»، اثر صبورا لله سیاستنگ



کتاب نجیب دهرزاد

الحمد لله زنده اند، زنگ می زند، بعد از سلام می پرسد: شما که آنجا تشریف داشتید، تفکر و تفنگ انقلاب هم سر شانتهان بود، می توانید یا می خواهید به مردم افغانستان بگویید که مرمی اول بر کله سردار محمد داوود را چه کسی شلیک کرد؟ و از فرمانده حمله بر زن و فرزند و آل و عیال اولین رییس جمهور کشور - یک ضرب - کتمان و بی خبری.

در «اتاق ۱۱۷ هتل کابل» و «پرونده ناپدید» او با دست کم ۱۰۰ تن از گرداننده گان میده و کلان سیاست سال های پسین گفت و گو کرده است. گپ کشیدن از زیر زبان دست اندرکاران و حاکمانی که نتیجه مبارزه، جنگ، مقاومت، جهاد، کودتا و انقلاب شان حالت امروز افغانستان باشد، کار ساده نیست. داکتر سیاستنگ از پشت خط تلفون باید تشخیص دهد دوغ کی واقعا ترش نیست.

نویسنده «نیل توتیا» نیم قرن را بی وقفه شعر، ترجمه، نقد، پژوهش، تاریخ، طنز و روایت می نویسد. ابراهیم نبوی، طنزنویس و پژوهشگر صاحب نظر ایران نیز بر این پر کاری موصوف مهر تأیید می گذارد: «صبورا لله سیاستنگ از نویسندگان مطرح، پرسابقه، پرکار، عمیق و اندیشمند است.»

با این مختصر، حالا می پردازیم به طنز، به جوهر جدیدی از قلم او.

اجازه دهید ابتدا از دید خودم طنز را به طور تجسمی

تعریف کنم: قرار است یک گیلان آب لیمو درست کنیم با ترکیب آب خالص، بوره و لیمو. در حالت استاندارد در یک گیلان آب دو قاشق بوره و دو پاره لیمو می اندازیم. حالا فرض کنید که همین مقدار بوره و لیمو را در دو گیلان بیندازیم. یا در همین گیلان اصلا بوره نیندازیم. یا بوره بریزیم و خوب شور ندهیم. یا که مقدار لیمو در حد پنج پاره باشد، چه فکر می کنید محتوای گیلان دارای مزه دل خواه و گوارا خواهد بود؟ طبیعتا که نه.

پس بیایید اثر طنزی را همان گیلان تصور کنیم، کلمات را آب، ظرافت (و خنده) را بوره و انتقاد را لیموی ترش. انتشار و یا سراسریت سوژه در متن یک اثر طنزی به همان مقدار حیاتی است که خون در وریدهای وجود. و در حین حال، درجه غلظت سوژه و یا وطنی تر اگر بگوییم «طنزالمایه» در متن هم از عناصر تقویت کننده یک طنز قوی محسوب می شود.

یک تعداد، سوژه ای را که می شود در چهار جمله انشا و ارایه کرد، در چهار صفحه می نویسند. یعنی همان دو قاشق بوره و دو پاره لیمو را در یک جگ آب مخلوط می کنند که مزه دهن مخاطب را در حد یک عدد بادرنگ بی نمک پایین می آورد.

با این مثال، می خواهم بگویم که اکثریت پارچه های طنزی صبور سیاستنگ از همان یک قاشق بوره، دو پاره لیمو و یک گیلان آب تشکیل شده است. یعنی

تاریخ به تعبیر من عبارت است از غیبت گویی در مورد مرده گان؛ آن هایی که با زبان خموش در دل خاک خفته اند و نمی توانند از خود دفاع کنند، و تاریخ نویس هم با نوک قلم هر قدر که بخواهد گوششان را چقرتر می کند. صبورا لله سیاستنگ، اما با پرداخت متفاوت، اهمیت همین «ترند» یا تعریف مرسوم از تاریخ را کاهش داده است. خواهید پرسید چگونه؟! با ثبت و نگارش قسمت هایی از تاریخ افغانستان به صورت «لایف» و زنده.

بگذارید این مدعا را با مثال واضح سازم: در «و آن گلوله باران بامداد بهار» به امام الدین، که

## «زنده گی برایم شبیه زندانی شده که مرگ تنها راه رهایی از آن است»

کتاب شفیقه محمدی



زینت (نام مستعار) را از مدت سه ماه به این سو می شناسم. دختری است زیبا و باوقار؛ اما کم حرف، پراسترس و بی قرار. ترس و دنیای پر از وحشتش را از طرز نگاه و برخوردش می شود درک کرد. او را برای بازگشایی سفره دل فرا می خوانم. سر سخن را با او آغاز می کنم. ابتدا از درس و تحصیلاتش می پرسم. دانشجوی سال سوم رشته فارسی در دانشگاه کابل است. تا این دم توانسته است خوب درس بخواند و پی گیر رویاهایش باشد. بیش تر با او اختلاط می کنم تا دلیل اصلی پریشانی و استرسش را بدانم. از زنده گی شخصی، پدر و مادرش می پرسم. یک خواهر، دو برادر و مادرش را دارد؛ به واژه پدر که می رسد زبانش گیر می کند، رنگ از رخس می پرد، استرس و ناراحتی اش چند برابر شده و عرق از سرو صورتش می بارد. از این واژه که برای دیگران تکیه گاه و برای او تبدیل به کابوس وحشتناک زنده گی اش شده است، می گذرد. اما سوال های پشت سر هم و ناگفته هایی که همانند کوه در دلش بغض شده است و نیاز به تخلیه آن دارد، او را وا می دارد تا ناگفته هایش که همانند موربانه او را از درون می خورد و خردوخمیر می کند را به زبان بیاورد. دست هایش را به هم می مالد، صدایش می لرزد. بغض گلویش می ترکد و زارزار می گرید. می خواهد از دردی برای مان بگوید که مرگ را تنها ترین راه حل آن می داند. حرف ها را تکتک و با مکث ادا می کند و گاهی هم لکنت زبانش در اثر فشارهای روانی چند برابر می شود. سرانجام درد او تبدیل به سخن شده و می گوید که پدرش سال هاست قصد تجاوز جنسی بر او را دارد.

تلخی داستانش را از تعریف پانزدهمین تابستان زنده گی خود شروع می کند؛ تابستانی که آغاز بدبختی ها و شروع بزرگترین رنج زنده گی اش بوده که تا حال ادامه دارد. در یکی از همین روزهای گرم تابستانی، پدرش که از سفر ولایتی برمی گردد، زینت با دیدن سروصورت او شدت گرما را حس می کند و

تمام شده است که حین صحبت بارها زبان به کامش می چسبد. حس می کنم آب بدنش خشک شده است. با یک دست لباسش را محکم می فشارد و با دست دیگر عرق هایش را پاک می کند؛ اما حرفی را که بر زبان می آورد غیرقابل پیش بینی ترین اتفاقی است که برایش رخ داده است. به سختی نفس می کشد و می گوید که خداوند مادرش را مثل فرشته نجات سر وقت فرستاده بود.

در واقع بدبختی ها و دردهای زنده گی او از همین جا آغاز می شود؛ رابطه پدر و مادرش به هم می خورد و جهت زنده گی خانواده گی آن ها به طور کامل تغییر می کند. او و مادرش به خاطر حفظ آبرو و عزت خانواده شان سکوت اختیار می کنند و تمام اتفاق آن روز را در چهار دیواری همان اتاق می گذارند و به زنده گی ادامه می دهند. زینت بعد آن اتفاق فقط زنده است، ولی زنده گی نمی کند، خوشی ها را به غم باخته است.

آه سردی می کشد و می گوید که اگر سکوت نمی کرد شاید جریان زنده گی کنونی اش تغییر می کرد و شاهد تکرار این خواست از سوی پدرش نمی بود: «پدرم بعد از آن روز مانند جانور وحشی شده است که هر وقت فرصت ببیند، می خواهد شکارم کند. سخت ترین لحظه های زنده گی ام از زمانی سپری می کنم که مادرم در خانه نباشد و من با جانوری به نام پدر تنها باشم.»

زینت می گوید که قبل از آمدن طالبان حداقل برای چند ساعتی به بهانه مکتب رفتن و دانشگاه می توانست از پدرش دور باشد؛ اما حالا که همه دروازه های فرار به روی او بسته شده است. مجبور است از بام تا شام در خانه ای که بدتر از زندان است، به سر ببرد: «زنده گی برایم شبیه زندانی شده است که مرگ تنها راه رهایی از آن است.» زینت اکنون خوشی ها و بی تفاوتی ها را کنار گذاشته و مدام از حمله دوباره پدرش در هراس است. او جریان زنده گی اش را پر از انتقام های روزگاری می داند که نمی فهمد به سبب کدام جرم از او قربانی می گیرد. زینت که حالا

بیست و دو ساله شده است، آمدن طالبان و محرومیت از درس و تحصیل، تحمل دشمنی به نام پدر و تباه شدن زنده گی خود و مادرش را نظاره گر است. علت این همه بدبختی را موجودیت خودش در این دنیا می داند. به همین دلیل، استرس، بی قراری و غم از همه وجودش می بارد و جفای روزگار هر روز بیش تر زنده گی را به کام او تلخ می کند.

نفسش برای گفتن ادامه داستان تلخ زنده گی اش یاری نمی کند، چند دقیقه سکوت می کند و با خفه شدن صدای او سکوت سنگین و عجیبی بر اتاق حاکم می شود. با چادر خود قطره های اشکش را از گونه هایش پاک می کند و سرش را پایین می اندازد، انگار اندکی دلش از جور زنده گی تپمی شده است. همان طور که چشمان خود را به زمین دوخته است می گوید که همانند کودکی شده که نمی تواند بدون مادرش در خانه تنها باشد، اما مجبور است این درد بزرگ را تحمل کند و به تنهایی با کسی مبارزه کند که سبب به دنیا آمدنش شده است.

در حالی که هیچ کس و هیچ نهادی را مدرسان نمی داند، می گوید که در این شرایط به کجا برود و به کدام سو صدا بلند کند؟ نهاد و دولتی که زنان در آن هیچ حقی ندارند، حاضر است به داد او برسد؟! خنده تلخی بر کنج لب می نشاند و با ناامیدی برای بار آخر لب می گشاید: «چه کنم، از طالب خانه به طالب بیرون خانه پناه ببرم و امید نجات داشته باشم؟! هفت سال است درد می کشم و با روح مرده و جسمی که نفس می کشد ادامه می دهم، حالا هم مجبورم تا ذره ای که توان دارم در برابر زنده گی پر از دغدغه ام ایستاده گی کنم.»

زینت زنده گی را باخته است. به آهوی در دام افتاده ای می ماند که در تقلائی فرار است؛ اما هیچ راه فراری نمی یابد. از واژه پدر و اصطلاحی که می گویند حامی و یگانه تکیه گاه فرزند، سخت متنفر است. تا پدر گفت و از او بازوی قدرت مند پدری برای روزهای مبادایش خواست، با خواست بی شرمانه و تنفرآور او مواجه شد.



کوه پرتو نادری

بخش نخست

## سخنان آغازین

مثنوی «طور معرفت» به قول علامه صلاح‌الدین سلجوقی یک سفرنامه رمزی است. بیدل در کوه بیرات انوار زیبایی‌های طبیعت را می‌بیند و از آن‌ها چنان توصیفی به‌دست می‌دهد که در گونه خود در تاریخ ادبیات پارسی دری بی‌مانند به نظر می‌آید.

می‌دانیم که بازتاب طبیعت در شعر بحث امروزی نیست و آن گونه که گفته‌اند، نخستین انسان‌هایی که نخستین بار به نام‌گذاری اشیای پیرامون خویش پرداختند و بدان‌گونه برای اشیای گونه‌ظهور یا وجود ثانوی در ذهن بخشیدند؛ نخستین شاعران روی زمینند و شاید هم نخستین شعری را که انسان سروده شعری بوده است در وصف طبیعت.

پیوند طبیعت و شعر از تاریخ و سرگذشتی برخوردار است که چگونه‌گی و شگردهای بیان چنین پیوندی در دوره‌های گوناگون ادبی از دیدگاه شاعران، همواره متفاوت و گوناگون بوده است.

از آغاز و فرجام مثنوی طور معرفت، این نکته روشن می‌شود که بیدل این مثنوی را به شکرالله خان بخشیده است. تا جایی که معلوم است این شکرالله خان در کار شعر و شاعری شاگرد بیدل بوده، روزگاری هم حاکم بیرات؛ ولی بیدل پیوسته او را چنان دانش‌مند بزرگ، دوست همفکر و صمیمی قدر و احترام نهاده است. چنان که بیدل در آغاز مثنوی از شکرالله خان این گونه یاد می‌کند:

گل‌ریایات شکرالله خانی  
به فرق آن زمین کرد آشنایی  
من بیدل به آهنگ دعایش  
گرفتم طرف دامان لواش  
به ذوق التفاتش از خودم برد  
که آسایش به رفتارم قسم خورد  
به پای شوق آن جا سر کشیدم  
به این کیفیت آن ساغر کشیدم  
مقامی یافت شوق جست‌وجوساز  
که گردش با تحیر بود گل‌باز  
کلیات، طور معرفت، ص ۶

به همین‌گونه، در پایان مثنوی نیز به شکرالله خان اشاره‌هایی دارد:

عصای من در این گل‌گشت مقصود  
نسیم فیض شکرالله خان بود  
و گرنه من کجا کو پرفشانی  
سرشکی بودم آن هم بی‌روانی  
در این گلشن خرامی داشت کلکش  
که پیوستم من بیدل به سلکش  
کلامش گشت سرمشق خیالم  
از آن سرچشمه جوشید این زلالم  
دو روزی در پی زانو نشستم  
خیالی را بهاری نقش بستم  
به یمنش آخر این مکتوب منظوم  
به «طور معرفت» گردید مرسوم  
طور معرفت، ص ۴۹

از این بیت‌ها می‌توان به دو نتیجه رسید: نخست این که بیدل به کمک، همیاری، تشویق و دعوت دوست دانش‌مند خود شکرالله خان به آن سرزمین آب و رنگ، به آن مقامی که گردش با تحیر گل‌باز بوده رسیده است؛ ورنه او را توان پرگشایی نبوده؛ بل در گوشه انزوا به‌سر می‌برده و صبرآزمایی می‌کرده است. به ریاضت و شب‌زنده‌داری و تمرکز فکری که در حقیقت نخستین گام در راه عشق و معرفت است، می‌پرداخته است. او در این مرحله خود را به شمع کشته‌ای همانند می‌کند:

# نگرش عمودی بیدل در اجزای طبیعت

چو شمع کشته بودم الفت‌آغوش  
به آن هستی که بود از دل فراموش  
نه فکر انجمن نی شوق گلشن  
قدم چون موج گوهر محو دامن  
حقیقت مشرب وارسته‌خوبی  
کشید از برق دل چون شعله هوبی  
که ای عنصرمتاع ملک ایجاد  
طلسم آب و خاک و آتش و باد  
در این ره پخته‌کاری‌هاست در کار  
به خامی کرده‌ای سودا خبردار  
به جا واماندنت دل‌مرده‌گی‌هاست  
زمین‌گیری گل افسرده‌گی‌هاست  
تو آتش‌خانه‌ای تا کی فسردن  
حیات جاودانی چند مردن  
کسانی را که بر تحقیق راه است  
نفس چون شمع موقوت نگاه است  
چه خفاشی‌ست ای محروم جاوید  
که از چشم تو پنهان ماند خورشید  
همان، ص ۲-۱

باد نوروزی همی در بوستان بت‌گر شود  
تا ز صنعتش هر درختی لعبتی دیگر شود  
باغ همچون کلبه بزاز پردیبا شود  
باد همچون طبله عطار پرعنبر شود  
سوسنش سیم سپید از باغ بردارد همی  
باز همچون عارض خوبان زمین اخضر شود  
روی‌بند هر زمینی حله چینی شود  
گوشوار هر درختی رشته گوهر شود  
چون حجاب لعبتان خورشید را بینی ز ناز  
گه برون آید ز میغ و گه به میغ اندر شود  
افسر سیمین فرو گیرد ز سر کوه بلند  
باز میناچشم و دیباوری و مشکین‌پر شود  
روز هر روزی بیفزاید چو قدر شهریار  
بوستان چون بخت او هر روز بُرناتر شود  
تاریخ ادبیات در ایران، ج اول، ص ۵۶۴

ابوالقاسم فردوسی در داستان «بیژن و منیژه» در هژده بیت نخستین، شب را این‌گونه توصیف می‌کند:

شبی چون شبه روی شسته به قیر  
نه بهرام پیدان نه کیوان نه تیر  
دگرگونه آرایشی کرد ماه  
بسپج گذر کرد بر پیش‌گاه  
شده تیره اندر سرای درنگ  
میان کرد باریک و دل‌کرده تنگ  
ز تاجش سه بهره شده لاجورد  
سپرده هورا را به زنگار گرد  
سپاه شب تیره بر دشت و راغ  
یکی فرش گسترده چون پر زاغ  
چو پولاد زنگارخورده سپهر  
تو گفتی به قیر اندر اندوده چهر  
نمودم ز هر سو به چشم اهرمن  
چو مار سیه باز کرده دهن  
هر آن‌گه که بر زد یکی باد سرد  
چو زنگی برانگیخت ز انگشت گرد  
چنان گشت باغ و لب جویبار  
کجا موج خیزد ز دریای قار  
فرمانده گردون گردان به جای  
شده سست خورشید را دست‌وپای  
زمین زیر آن چادر قیرگون  
تو گفتی شدستی به خواب اندرون  
شاهنامه، ص ۲۱۵

منوچهری دامغانی، شاعر نام‌آور سده پنجم هجری، در توصیف طبیعت استاد است. او در یکی از قصیده‌های خویش یک چنین توصیفی از شب ارایه می‌کند.

شبی گیسو فروهشته به دامن  
پلاسنین معجر و قیرینه گرز  
به کردار زن زنگی که هر شب  
بزاید کودک بلغاری آن زن  
کنون شویب بمرد و گشت فرتوت  
از آن فرزند زادن شد سترون  
شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک  
چون بیژن در میان چاه او من  
ثریا چون منیژه بر سر چاه  
دو چشم من بدو چون چشم بیژن  
دیوان، ص ۸۶

در این نمونه‌ها و نمونه‌های فراوان دیگر، تصاویر خیلی روشن و خالی از ابهامند برای آن که همه‌گان بر محور تشبیه در حرکتند. موقعیت ابر بهار و شب با ارایه تصاویری بیان شده‌اند که جز حاصل مشاهده‌ها و دریافت‌های حسی شاعر چیز دیگری نیستند. شعر ما را به حالات روحی و درونی شاعر نمی‌رساند. شاعر از تأثیر طبیعت بر خویش و آن هیجانی که از این

تأثیر در وی پدید می‌آید، سخنی به میان نمی‌آورد؛ بل او در این توصیف یک جز طبیعت را با جز دیگر آن همانند می‌کند و در تصویرپردازی‌های خویش از همان موادی کار می‌گیرد که در طبیعت وجود دارند و به حواس ظاهری درمی‌آیند.

با این حال، طبیعت‌ستایی در شعر این دوره گاهی هم بهره‌مند از تصویرهایی است که شاعر با استفاده از صنعت تشخیص، به شعر جنبش و پویایی می‌بخشد و اجزای طبیعت هویت انسانی پیدا می‌کنند. این هم نمونه‌ای از حکیم نظامی گنجه‌ای در خمسه که تصویر زیبایی از شب به‌دست می‌دهد:

شبی تیره چو کوه زاغ بر سر  
گران جنبش چو زاغی کوه بر پر  
شبی دم‌سرد چون دل‌های بی‌سوز  
برات آورده از شب‌های پیروز  
کشیده در عقابین سیاهی  
پر و منقار مرغ صبح‌گاهی  
دهل‌زن را زده بر دست‌ها مار  
کواکب را شده در پای‌ها خار  
فتاده پاسبان را چوبک از دست  
جرس جنبان خراب و پاسبان مست  
سیاست بر زمین دامن نهاده  
زمانه تیغ را گردن نهاده  
زناشویی به هم خورشید و مه را  
رحم بسته به زادن صبح‌گه را  
گرفته آسمان را شب در آغوش  
شده خورشید را مشرق فراموش  
به در دزدی ستاره کرده تدبیر  
فرو افتاده ناگه در خم قیر  
بمانده در خم خاکسترآلود  
از آتش‌خانه دوران پردود  
مجره بر فلک چون کاه بر راه  
فلک در زیر او چون آب در کاه  
ثریا چون کفی جوید به تقدیر  
که گرداند به کف هندو زن پیر  
نه موبد را زبان زندخوانی  
نه مرغان را نشاط پرفشانی  
دیوان کامل، خسرو و شیرین، ص ۲۴۹

یکی از ویژه‌گی‌های مکتب هند که بی‌تردید، بیدل چنان تندیس‌ی بر بلندترین سکوی آن ایستاده، این است که شاعر در روبه‌روی با عالم بیرون بیش‌تر به حالت‌های نفسانی خود توجه می‌کند. برون‌نگری جای خود را به درون‌نگری می‌دهد.

به مفهوم دیگر، به‌جای آن که شاعر در طبیعت قرار گیرد و به تصویرگری آن بپردازد، این طبیعت است که در ذهن و روان شاعر تأثیر برجای می‌گذارد و شاعر شعرش را بربنیاد آن تأثیرپذیری پدید می‌آورد. یعنی از طبیعت درونی خود سخن می‌گوید. طبیعتی که با او زیسته است. البته وقتی می‌گوییم که در شیوه هندی برون‌نگری جای خود را به درون‌نگری می‌دهد، این امر بدین مفهوم نیست که شاعر در مکتب هندی به چیزها و رویدادهایی که در پیرامون او می‌گذرد توجهی ندارد. چنین توجهی قطعاً وجود دارد؛ ولی این توجه و اعتنا نیز بربنیاد همان تأثیری است که پدیده‌ها و رویدادهای بیرونی در ذهن و روان شاعر پدید می‌آورد.

پس بی‌مورد نگفته‌اند که بارزترین شیوه مضمون‌سازی در مکتب هند همانا گونه‌ای نقب‌زدن است از ظاهر به باطن یا از بیرون به درون و برقرار کردن پیوند است بین محسوس و نامحسوس.

بیدل در مکتب هندی سرآمد همه‌گان است. او در کلیت آثار بزرگ خویش توجه ویژه‌ای به فطرت دارد؛ اما در آیین او آن قدر مایه نور وجود دارد که به هر ذره دو خورشید می‌بیند.

بیش از آن است در آیین من مایه نور  
که به هر ذره دو خورشید نمایم تقسیم  
غزلیات، ص ۹۸۱

نگرش بیدل به طبیعت از گونه نگرش دقیقی، منوچهری، فردوسی، فرخی و نظامی نیست؛ بل نگرشی است با ویژه‌گی‌هایی که بررسی این مسأله در کلیت آثار او کاری است دشوار. در میان آثار بیدل، در یگانه اثر او که توصیف طبیعت به‌گونه چشم‌گیر تبلور دارد، همانا مثنوی «طور معرفت» یا «گلگشت حقیقت» است که در وزن هزج مسدس مقصور «مفاعیلین مفاعیلین فعولن» سروده شده است.



## حیات خلوت...

تاکید ملا هیت الله بر ادامه جهاد تا قیامت، نشان از تمایل جدی این گروه به گسترش جنگ در جغرافیای فراتر از مرزهای افغانستان دارد. تمام اسلام‌گراها رویای راه‌اندازی جهاد جهانی را در سر دارند و اگر امکان این کار فراهم باشد، بدون درنگ آن را اجرا می‌کنند. باری، افغانستان حالا به بهشت گروه‌های تروریستی بدل شده است؛ جایی که این گروه‌ها از فضا و جغرافیای کافی برای راه‌اندازی کمپ‌های آموزشی و مانور نظامی گرفته تا جنگ‌افزارها و امکانات مالی وافر برای تجهیز و تقویت خود برخوردارند؛ چون توسط یک رژیم هرچند غیررسمی اما دارای امکانات گسترده یک دولت زنده و باثبات حمایت می‌شوند. افزون بر اهداف بلندپروازانه جهادی، طالبان از گروه‌های تروریستی موجود در افغانستان برای سرکوب شورش‌های داخلی احتمالی نیز استفاده می‌کنند. یکی از اهداف جابه‌جایی تروریست‌های خارجی در مناطق شمالی، شمال شرقی و غربی افغانستان که طالبان در آن‌ها به دلیل عدم برخورداری از بستر قومی قدرتمند، آسیب‌پذیری بیش‌تری دارند، این است که اگر احتمالاً شورش‌های سوی مردم بومی صورت گیرد، تروریست‌های خارجی بتوانند به کمک میزبان بشتابند. هر نیرویی برای رشد و شکوفایی به فضا و میدان مساعد و مصون نیازمند است. طالبان حالا با تسلط کامل بر افغانستان، این فضا و میدان جغرافیایی را برای تروریسم بین‌المللی فراهم کرده‌اند. گروه‌های مختلف تروریستی زیر چتر حمایت سیاسی و نظامی طالبان و مدیریت شبکه القاعده، در حال سازمان‌دهی و تجهیز خودند. در حال حاضر، تنها مردم افغانستان مجبورند طعم تلخ تندروی اسلامی و تروریسم را بچشند؛ اما در آینده نه‌چندان دور، جهان نیز پیامد مرگبار تحویل‌دهی افغانستان به یک گروه تمام‌عیار تروریستی را با گوشت و پوست خود حس خواهد کرد. تنها سیاست‌بازان فاسد و مزدور در بازگشت طالبان مقصر نیستند، کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا نیز سهم به‌سزایی در این زمینه دارند. آنان روزی پی خواهند برد که سازش و معامله با یک گروه تروریستی برای دستیابی به اهداف ژئوپلیتیک چه تاوان سنگین و جبران‌ناپذیری دارد. تروریسم، تازه جغرافیا و محیط مساعدی برای تکثیر و تولید مثل پیدا کرده است و می‌رود تا همه عرصه‌های زنده‌گی را فرا بگیرد که به این ترتیب، هیچ پدیده‌ای از شر این ویروس واگیردار مرگبار در امان نخواهد ماند. این جغرافیای «شهیدپرور» از همین حالا دارد به وحشت‌کده غیرقابل زیست بدل می‌شود؛ چه رسد به آینده‌ای که کوچک‌ترین نشانی از تمدن انسانی در آن یافت نخواهد شد.



## طالبان سیاست‌کشتار و انکار

کلمه شجاع‌الدین امینی

به‌تازگی هیات معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) با نشر گزارشی، پرده از رخ فاجعه‌ای بزرگ برداشته است: قتل نظامیان و کارمندان دولت پیشین از سوی طالبان. این نهاد مدعی شده که از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ تا ۳۰ جون سال روان میلادی، ۸۰۰ مورد نقض حقوق بشر از سوی طالبان را به ثبت رسانده است که از این میان، ۲۱۸ مورد قتل نظامیان و کارمندان دولت پیشین در ۳۴ ولایت افغانستان را شامل می‌شود. در این گزارش، طالبان عامل و فاعل اصلی کشتار خوانده شده است. براساس این گزارش، نظامیان و کارمندان دولت پیشین در توقیف‌خانه‌ها و زندان‌های طالبان در اثر شکنجه یا در جاهای دیگر از سوی این گروه کشته شده‌اند که از آن به‌عنوان قتل‌های «فراقضایی» یاد شده است. نشر این گزارش، واکنش نهاد دیدبان حقوق بشر را نیز به دنبال داشته است: «کشتارهای انتقام‌جویانه طالبان در افغانستان پایانی ندارد.»

### در خصوص این گزارش سه نکته مهم است:

۱. نحوه مواجهه یوناما با طالبان تا این دم با انتقادهای زیادی مواجه بوده است. این نهاد در دیدگاه بسیاری از شهروندان افغانستان به قباح‌زدایی از طالب متهم است. دفتر یوناما بیشتر با طالبان در حشر و نشر است تا نیروهای مخالف این گروه. نحوه رابطه این نهاد حتی با جنبش معترض زنان به‌درستی مشخص نیست. یوناما تا این دم به‌گونه‌ای سعی کرده در برابر ستم‌گری طالبان کرکش نشان دهد. برای نمونه، پس از آن که طالبان کارمندان زن در یوناما را از رفتن به کار منع کردند، این نهاد در واکنش به آن، کاری انجام نداد جز نشر چند اعلامیه تپی از محتوا و فاقد ضمانت اجرا. همچنان، یوناما تلاش ورزیده تا دنیا را به تداوم سیاست تعامل با طالبان ترغیب کند. با توجه به این نکات، نشر این گزارش از سوی نهادهای که تا دیروز تلاش می‌کرد وضعیت افغانستان تحت اداره طالبان را عادی جلوه دهد، حایز اهمیت است. ضمن آن که به صحت آن نمی‌توان تردید داشت، نشان می‌دهد که ممکن است یوناما به شعار این که طالبان گویا تغییر کرده‌اند، تا جایی بی‌باور شده باشد.

۲. یوناما مدعی شده است که دست‌کم ۲۱۸ مورد قتل نظامیان و مقام‌های دولت پیشین را ثبت کرده است؛ به این معنا که رقم کشتار بلندتر از آن است و این نهاد موفق به ثبت و مستندسازی تمام آن‌چه اتفاق افتاده، نشده است. پس نیاز است تا نهادهای مدافع حقوق بشر به‌گونه مستقل بیشتر تحقیق کنند تا پهلوهایی پنهان جنایاتی که از سوی طالب انجام

مجازات نمی‌شوند، که شاید پاداش هم می‌گیرند. روز چهارشنبه، ۲۳ اگست، خبری از قول باشنده‌گان قندهار در روزنامه ۸ صبح به نشر رسید که ادعا شده بود مقام‌های طالبان در این ولایت زندان‌های شخصی دارند و کارمندان و نظامیان دولت پیشین را زندانی می‌کنند. دلیل این اقدام، «دشمنی‌های شخصی» و «دعوی زمین» خوانده شده است. این نشان می‌دهد که انتقام‌گیران شخصی کسانی جز اعضای طالبان نیستند.

### چرا نظامیان پیشین هدف قرار می‌گیرند؟

از فروپاشی جمهوریت همه آسیب دیدند، ولی بیشترین آسیب به کسانی وارد شد که در صف نیروهای امنیتی دولت پیشین علیه طالبان می‌رزمیدند. نظامیان پیشین دو سال تمام است که به‌گونه بی‌رحمانه و در پیش چشم دنیا از سوی جنگ‌جویان طالب شکار می‌شوند. این نظامیان در دولت پیشین نیز حال و روز خوبی نداشتند. از نان‌شان دزدیده می‌شد و در برابر طالبان به‌درستی حمایت و تجهیز نمی‌شدند؛ امری که سبب می‌شد به‌گونه گروهی در میدان جنگ کشته شوند. کسانی از نظامیان پیشین که به خارج از افغانستان پناه برده بودند، اسیر دام عفو طالبان شده و به کابل برگشتند. طالبان به آن‌ها «امان‌نامه» و تعهد دادند که زنده‌گی‌شان در امن است و آسیبی نخواهند دید؛ ولی دیری نگذشت که به بهانه‌های گوناگون اسیر، شکنجه و در نهایت کشته شدند.

۱. طالبان به انتقام‌جویی بهای زیادی قایلند، حتی به ازای نقض آن‌چه عفو عمومی از سوی این گروه اعلام شده است. این خصلت بد از ایدئولوژیک بودن این گروه ناشی می‌شود. حرص انتقام‌جویی چشم طالبان را کور کرده است و میان بی‌گناه و گناه‌کار و نظامی و غیرنظامی و... تمیز قابل نمی‌شوند. حتی کسانی که گناه‌کار خوانده می‌شوند، به شیوه غیرعادلانه و ظالمانه در دادگاه طالبان محاکمه می‌شوند، نه به‌عنوان مجرمی که حیثیت و کرامتش محفوظ باشد.

۲. طالبان از نیرومند شدن جبهه‌های نظامی مخالف خود هراس دارند. لذا، این گروه با اسیر کردن، شکنجه کردن و کشتن نظامیان پیشین تلاش می‌کند از نیرومندتر شدن این جبهه‌ها جلوگیری کند؛ چرا که سران جبهه مقاومت ملی و جبهه آزادی‌بارها ادعا کرده‌اند که نظامیان دولت پیشین عضویت این دو جبهه را دارند. همچنان، مهارت جنگی نظامیان پیشین برای‌شان دردسرساز شده است. طالبان می‌دانند که افغانستان اگر دودستی از سوی دنیا به طعم پیروزی را بچشند، طالبان و نظامیان پیشین در میدان جنگ فراوان زورآزمایی کرده‌اند. شنیدن خبر پیوستن نظامیان بامهارت به جبهه‌های مخالف طالبان، برای این گروه دیوانه‌کننده است. این امر سبب شده تا نظامیانی که حتی هیچ‌گونه ارتباطی با این جبهه‌ها ندارند و امان‌نامه طالب را گرفته‌اند، ضربه دشنه انتقام این گروه را تجربه کنند.

۳. برخی رسانه‌ها با نشر گزارش‌هایی ناخواسته به زبان نظامیان پیشین تبلیغ می‌کنند. برای نمونه، روزنامه وال استریت ژورنال در نوامبر ۲۰۲۱ با نشر گزارشی مدعی شد که افسران ارتش و استخبارات دولت پیشین که نتوانستند از افغانستان بیرون شوند، به گروه داعش می‌پیوندند. غم‌نان و هراس از تعقیب از سوی طالبان، علت این امر خوانده شده است. موضع طالبان ظاهراً در برابر داعش روشن است. نشر چنین خبرهایی با هر انگیزه‌ای که صورت گیرد، به زبان نظامیان پیشین تمام می‌شود.

شده، خوب‌تر برملا شود. برای نمونه، سازمان دیدبان حقوق بشر در ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱ با نشر گزارشی مدعی شد که طالبان پس از تسلط بر افغانستان بیش از ۱۰۰ افسر پولیس و امنیت ملی را در چهار ولایت افغانستان (غزنی، هلمند، قندهار و کندز) اعدام یا ناپدید کرده‌اند. همچنان، روزنامه نیویارک تایمز در نیمه اپریل سال ۲۰۲۲ با انتشار گزارشی مدعی شد که گروه طالبان در شش ماه اول سلطه‌اش قریب به ۵۰۰ کارمند دولت پیشین که نظامیان نیز شامل می‌شوند را کشته و ناپدید کرده‌اند.

میان این دو گزارش و گزارش نشرشده از سوی یوناما تفاوت وجود دارد. اگر مقایسه شود، گزارش یوناما رقم کشتار نظامیان و کارمندان دولت پیشین را نسبت به گزارش دو نهاد دیگر خیلی پایین نشان می‌دهد. این در حالی است که گزارش یوناما، بیست‌ودونیم ماه، گزارش دیدبان حقوق بشر سه‌ونیم ماه و گزارش نیویارک تایمز شش ماه سلطه طالبان را پوشش داده است. تفاوت در ارقام نشان می‌دهد که یا یوناما در مستندسازی ناکام مانده است یا چون گذشته تلاش کرده از مسیر مماشات با طالبان خارج نشود.

۳. طالبان چون گذشته این بار نیز به «سیاست انکار» پناه برده‌اند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، مدعی شده است: «عفو عمومی امارت اسلامی به‌طور عمومی عملی شده است. البته بعضی موارد انتقام‌های شخصی و نامعلوم بوده که توسط ارگان‌های مربوطه امارت اسلامی به‌گونه جدی بررسی شده که تعداد آن محدود می‌باشد.» هر گزارشی که در نقد عمل کرد طالبان از سوی نهادهای تحقیقاتی به نشر رسیده، از سوی این گروه به‌گونه مطلق رد شده است. طالبان به رغم آن که خود را حاکم بلامنازع افغانستان می‌دانند، مسوولیت چیزی را که در قلمرو حاکمیت‌شان اتفاق می‌افتد برعهده نمی‌گیرند. اگر نهادهای لابی‌گر طالب، اندکی وضعیت را در افغانستان آرام نشان دهند، فوراً با استقبال این گروه مواجه می‌شود. اگر سخن از نقض حقوق زن و حقوق بشر و کشتار نظامیان پیشین در میان باشد، آنگاه برآشفته می‌شوند و نهادهای تحقیقاتی را متهم به تخریب می‌کنند. سخنگویان طالب، حتی منع زنان از رفتن به مکتب و دانشگاه را نیز تلویشاً انکار می‌کنند و مدعی می‌شوند که تلاش‌ها برای رفع موانع در زمینه وجود دارد.

اگر آن‌چه اتفاق افتاده را به زعم سخنگوی طالبان انتقام‌گیری شخصی بدانیم، باز هم مسوولیت آن متوجه طالبان است. در قلمرو سلطه طالبان، جز جنگ‌جوی طالب کسی به نظر نمی‌رسد جسارت انتقام‌گیری به شیوه‌ای که در افغانستان جریان دارد را داشته باشد. انتقام‌گیران در پناه طالب و با اسلحه طالب انتقام‌گیری می‌کنند. آن‌ها نه‌تنها



ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه پس از جان باختن یوگنی پریگوژین، رهبر گروه واگنر گفته است که درباره سانحه سقوط هواپیما تحقیقات صورت می‌گیرد. پوتین روز پنج‌شنبه، ۲۴ آگست، گفته است که اما تحقیقات به زمان نیاز دارد. وی با تسلیت به خانواده‌های کشته‌شده‌گان گفت که یوگنی پریگوژین یک تاجر با استعداد بود. پوتین همچنان افزوده است: «تا جایی که من اطلاع دارم پریگوژین دیروز از آفریقا بازگشت. او با برخی از مقامات رسمی در آنجا ملاقات کرد.» گفتنی است که هواپیمای شخصی پریگوژین با ۱۰ سرنشین شام روز گذشته در منطقه تور روسیه سقوط کرد.



## رئیس‌جمهور سابق فرانسه به اتهام دریافت ۵۰ میلیون یورو از قذافی محاکمه می‌شود

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق فرانسه به دلیل دریافت ۵۰ میلیون یورو معادل ۴۲ میلیون پوند پول نقد از معمر القذافی، رهبر سابق دولت لیبیا، برای کارزار انتخاباتی‌اش دادگاهی می‌شود. دیلی‌میل روز جمعه، ۲۵ آگست، گزارش داده که در کنار سارکوزی ۶۸ ساله دست‌کم ۱۲ تن دیگر از جمله سه وزیر کابینه وی نیز محاکمه خواهند شد. گفته می‌شود که این پرونده بزرگ‌ترین تحقیقات فساد در فرانسه است که سارکوزی در آن دست دارد. محاکمه نیکلا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق فرانسه و یارانش قرار است جنوری تا اپریل سال ۲۰۲۵ برگزار

این مقام پیشین دولت فرانسه اگر مجرم شناخته شود، دست‌کم ۱۰ سال حبس پیش‌رو خواهد داشت. در میان ۱۲ تن دیگر که قرار است با سارکوزی محاکمه شوند، کلود گوئانت، دست‌راست سابق سارکوزی، اریک وورث، رئیس وقت تامین مالی کمپاین انتخاباتی او و بریس هورتفو، وزیر داخله سابق، شاملند. گفتنی است، پس از آن‌که سارکوزی در انتخابات سال ۲۰۰۷ فرانسه به پیروزی دست یافت، از معمرالقذافی، دیکتاتور لیبیایی استقبال گرمی در کشورش کرد.

شود. او متهم است که در سال ۲۰۰۷ از دولت لیبیا زیر اداره معمر القذافی برای کمپاین انتخاباتی‌اش پول نقد دریافت کرده است. علاوه بر این، او به فساد و اختلاس در دوران ریاست‌جمهوری‌اش که آن‌هم مرتبط به پرونده لیبیا می‌شود، متهم شده است. سارکوزی اما این اتهامات را رد می‌کند و بر بی‌گناهی‌اش اصرار دارد.



## دونالد ترامپ پس از چند دقیقه با سپردن وثیقه از زندان آزاد شد

نزدیک به ۲۰ دقیقه پس از آن‌که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا خودش را به زندانی در جورجیا تسلیم کرد، با سپردن وثیقه ۲۰۰ هزار دلاری آزاد شد. رسانه‌های آمریکایی نخستین تصویر از ترمپ در زندان را بامداد روز جمعه، ۲۵ آگست، منتشر کردند که او را به عنوان نخستین رئیس‌جمهور آمریکا که زندانی شده است، ثبت تاریخ کرد. ترمپ به اتهام تلاش برای تغییر نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۰ خود را به زندان فولتون کانتی شهر آتلانتای ایالت جورجیا تسلیم کرد. وی همچنان در نخستین دقایق بازگشتش به شبکه اجتماعی ایکس (تویتر سابق) عکسی از خودش که توسط مسوولان زندان گرفته شده است را منتشر کرد. زندانی شماره ۲۰۱۱۳۵۸۰۹ پس از خروج از فولتون کانتی به نیوجرسی بازگشت و قبل از آن بار دیگر به رسانه‌ها گفت که بی‌گناه است و پرونده علیه او با انگیزه‌های سیاسی شکل گرفته است. به گزارش یورونیوز، ترامپ به خبرنگاران گفت: «عمیقاً باور دارم که امروز، روزی غم‌انگیز برای ایالات متحده است. چنین چیزی هرگز نباید اتفاق می‌افتاد. ما از هر نظر حق داریم، انتخابات غیرصادقانه را به چالش بکشیم.» طرح اتهامات گوناگون علیه رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در حالی که کارزارهای انتخابات ریاست جمهوری این کشور در حال برگزاری است، احتمالاً روی نتایج مبارزه وی تأثیر می‌گذارد. دونالد ترامپ هفته گذشته در ۱۳ مورد به ابطال نتیجه انتخابات در ایالت جورجیا در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ متهم شد و این یکی از چهار پرونده قضایی علیه وی است.

## رهبران هند و چین در مورد اختلافات مرزی گفت‌وگو کردند

دهلی نورا با او شریک ساخته است. کواترا تصریح کرده است که شی و مودی توافق کردند تا مقام‌های خود را برای کاهش تنش‌های مرزی مامور کنند. این نخستین بار است که مودی مساله اختلافات مرزی را مستقیماً با رهبر چین مطرح می‌کند. چین و هند هفته گذشته توافق کردند تا در منطقه مورد مناقشه میان این دو کشور «لداخ» صلح را حفظ کنند. این توافق در نوزدهمین دور مذاکرات فرماندهان چین و هند به دست آمده است. اختلافات چین و هند بر سر خط مرزی میان این دو کشور در جامو و کشمیر از سال‌های به این سو پا ادامه دارد. در آخرین درگیری که میان نظامیان این دو کشور همسایه در سال ۲۰۲۰ رخ داد، دست‌کم ۲۰ تن از هر دو طرف کشته شدند.

شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین و نارندرا مودی نخست‌وزیر هند، درباره روابط دوجانبه و اختلافات مرزی با یکدیگر گفت‌وگو کرده‌اند. به گزارش خبرگزاری شینهوا، وزارت خارجه چین روز پنج‌شنبه ۲۴ آگست، اعلام کرده که این دیدار در حاشیه اجلاس سران بریکس در آفریقای جنوبی و به درخواست مودی برگزار شده است. شی در این دیدار تأکید کرده که بهبود روابط چین و هند به نفع دو کشور است و باعث تقویت صلح و توسعه جهانی و منطقه‌ای می‌شود. وی افزوده است که این دو کشور باید مسایل مرزی را مدیریت کنند. در همین حال، خبرگزاری رویترز نیز به نقل از وینای کواترا، وزیر خارجه هند، گزارش داده که مودی در این دیدار مساله اختلافات مرزی را با شی مطرح و نگرانی‌های



## دولت دانمارک لایحه ممنوعیت قرآن‌سوزی در اماکن عمومی را به پارلمان می‌فرستد

طور مثال آتش زدن قرآن، انجیل یا تورات در ملاء عام مجازات به‌دنبال خواهد داشت. با این حال، این لایحه دولت دانمارک با مخالفت‌هایی از سوی احزاب مخالف مواجه است که می‌گویند، این ممنوعیت آزادی بیان را نقض می‌کند. این اقدام پس از آن صورت می‌گیرد که هفته‌های گذشته ثبت چندین مورد قرآن‌سوزی در سوئد و دانمارک با اجازه پولیس، واکنش‌های گسترده‌ای کشورهای اسلامی را به همراه داشت. سران کشورهای اسلامی پس از این اقدام در ریاض تشکیل جلسه اضطراری دادند و خواستار وضع تحریم بر کالاهای این کشورهای شدند. گفتنی است که سوئد نیز اعلام کرده که به‌دنبال محدودت کردن آزادی‌های این‌گونه اقداماتی است که تنش‌زا هستند.

به‌دنبال ثبت چندین مورد قرآن‌سوزی در سوئد و دانمارک، دولت این کشور لایحه‌ای را ترتیب داده که بربنیاد آن قرآن‌سوزی در اماکن عمومی این کشور منع می‌شود. یورونیوز گزارش داده که پیتر هوملگارد، وزیر عدلیه دانمارک روز جمعه، ۲۵ آگست، از ارسال این لایحه برای رای‌گیری به پارلمان خبر داده است. براساس این لایحه در صورتی که رای بیاورد، برای کسانی که دست به سوزاندن قرآن می‌زنند دو سال حبس در نظر گرفته شده است. هوملگارد در یک نشست مطبوعاتی گفته است: «دولت قانونی را پیشنهاد خواهد کرد که براساس آن برخورد نامناسب با اشیایی که اهمیت بنیادین مذهبی برای اجتماعی دارد، ممنوع خواهد شد.» او افزوده است که بنا بر این و مطابق با این پیشنهاد دولت،

### عاصم منیر

## پاکستان سنگری در برابر تروریسم است و به صلح منطقه کمک می‌کند

برابر تروریسم عمل می‌کند و جامعه بین‌المللی باید فداکاری‌های عظیم این کشور را بپذیرد.» دیدار میان این مقام پاکستان و ۳۸ دانشجوی دانشگاه هاروارد در راولپندی صورت گرفته است. جایی‌که رئیس ستاد ارتش پاکستان در مورد طیفی از مسایل امنیتی و نظامی منطقه سخن گفته است. او همچنان گفته که ارتش کشورش برای ارتقای صلح و ثبات در منطقه کمک کرده است.



این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که پاکستان از سال‌ها به این سو متهم به پناه دادن به گروه‌های تندرو از جمله طالبان که در حال حاضر بر افغانستان تسلط یافته‌اند، شده است. پاکستان هم اکنون با گروه تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) درگیر است که هرازگاهی وقوع درگیری و تلفات دو طرف مخابره می‌شود.

جنرال عاصم منیر، رئیس ستاد ارتش پاکستان گفته است که جهان باید «فداکاری‌های» این کشور در برابر تروریسم را بپذیرد. به گزارش اکسپرس تریبون، منیر این اظهارات را روز جمعه، ۲۵ آگست، در میان دانشجویان دانشگاه هاروارد در سفرشان به پاکستان بیان کرده است. منیر ادعا کرده است: «پاکستان به‌عنوان یک سنگر در